

بررسی نظریه انسجام واژگانی در قصیده "كَرْبًا لَأَزِلْتَ كَرْبًا وَ بَلًا" (سوگ سروده شریف رضی)

دکتر ریحانه ملازاده^۱

مریم هاشمیان^۲

چکیده

انسجام یکی از عناصر زبان‌شناسی متن است که برای تحلیل متون به کار می‌رود. از آن‌جا که قصیده همزیه "كَرْبٌ وَ بَلًا" یکی از معروف‌ترین و تأثیرگذارترین مراثی حسینی است که از سید رضی-جامع نهج‌البلاغه- به یادگار مانده، لذا این پژوهش به آن اختصاص یافته است. نوشتار حاضر بر آن است تا با استفاده از تکنیک نوین انسجام، نقش قرار گرفتن واحد‌های واژگانی، در پیوستگی متن و رساندن معنای مورد نظر را به مخاطب نشان دهد. هر چند درباره شریف رضی و اشعارش مقالاتی ارزشمند نگاشته شده؛ اما تا کنون در مورد تأثیر انسجام واژگانی با محوریت این قصیده مطلبی به رشته تحریر در نیامده است. به این منظور ابتدا به تعریف انسجام واژگانی و انواع آن می‌پردازیم، سپس نمونه‌هایی از عناصر آن را در این قصیده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم. شیوه کار در این تحقیق توصیفی-تحلیلی و آماری است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که شریف رضی در رثای خود به ترتیب از ترادف، همنشینی، طباق ایجاب و تکرار بیش‌ترین بهره را برده است. هم‌چنین برای تثبیت و تبیین مضمون شعر طباق ایجاب به جای طباق سلب به کار رفته است؛ زیرا طباق سلب معمولاً برای اشاره گذرا و سطحی به یک امر به کار می‌رود.

واژگان کلیدی: انسجام واژگانی، رثا، امام حسین (ع)، شریف رضی، قصیده "كَرْبًا لَأَزِلْتَ كَرْبًا وَ بَلًا".

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء تهران r.mollazadeh@alzahra.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء تهران، نویسنده مسئول mhashemzadeh@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۰

مقدمه

شریف رضیّ قصایدی زیبا در رثای امام حسین(ع) سروده که از جمله آن‌ها مرثیه‌ای با مطلع "كِرْبَلَا كَزَلَّتْ كَرْبَاً وَ بَلَا / مَا لَقِيَ عِنْدَكَ آلُ الْمُصْطَفَى" است. این مقاله به بررسی عناصر انسجامی و نقش آن‌ها در ماندگاری و زیبایی این قصیده ارزشمند می‌پردازد. از آن‌جا که واحدهای کوچک واژگانی و چگونگی قرار گرفتن آن‌ها در کنار یکدیگر، در انسجام و پیوستگی مطالب و انتقال صحیح آن به مخاطب تأثیرگذار بوده است و نیز استفاده از انواع مختلف عناصر انسجامی می‌تواند بر ایجاد انگیزه در مخاطب جهت دنبال نمودن متن و پذیرش هدف اصلی آن و تأثیرگذاری بر روح و جان او و نیز روشن شدن هر چه بیش‌تر موضوع، کمک فراوان کند؛ و با عنایت به اهمیت و جایگاه شریف رضیّ و شعر او در ادبیات عاشورایی، این مقاله به بررسی نقش عناصر انسجامی در این شعر اختصاص یافته است. از این رو با توجه به این‌که بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، پژوهشی در خصوص انسجام واژگانی مرثیه‌های شریف رضیّ در رثای امام حسین(ع) انجام نشده، این پژوهش، به بررسی میزان کاربرد این عناصر در قصیده مذکور و هم‌چنین تأثیر کاربرد این عناصر در انسجام بخشی و جاودانگی هر چه بیش‌تر آن می‌پردازد.

۱- روش تحقیق

این مقاله با شیوه توصیفی، تحلیلی و آماری نگاشته شده است، ابتدا با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و توصیفی به جمع‌آوری اسناد و مدارک اقدام کرده و پس از آن با کنار هم قراردادن مستندات و مکتوبات؛ با استفاده از شروع و ترجمه‌های مختلف موجود از این قصیده، به تحلیل تأثیر عناصر انسجام در آن پرداخته شده و نتایج به دست آمده در قالب جداول و نمودارهایی به شیوه آماری ارایه شده است.

۲- اهمیت و ضرورت

از آن‌جا که تاکنون، پژوهشی در خصوص نقش انسجام واژگانی در قصیده همزیه رثای حسینی شریف رضیّ انجام نشده و با توجه به این‌که او یکی از شاعران متعهد ادبیات عربی بوده و هم‌چنین این قصیده نیز یکی از مهم‌ترین و ماندگارترین مرثیه‌های موجود در ادبیات عربی درباره واقعه کربلا است، در این مقاله سعی شده تا با بررسی کاربرد عناصر انسجام واژگانی و تأثیر هر یک از

این عناصر بر این قصیده، جنبه‌هایی جدید از توانایی این شاعر بزرگ در خلق این اثر ماندگار روشن گردد.

۳- سؤالات پژوهش

مقاله حاضر به این سؤالات پاسخ می‌دهد که تکرار و با هم آیی چه نقشی در انسجام بخشی به قصیده رثای حسینی شریف رضی ایفا می‌کند؟ شاعر در این قصیده برای رسیدن به هدف خود، بیش‌تر از چه عناصری بهره گرفته است؟

۴- پیشینه تحقیق

در دهه‌های اخیر، مایکل هالیدی، جزء نخستین کسانی بوده که به مطالعهٔ روابط بین جمله‌ای در زبان انگلیسی پرداخته و ابزارهای انسجام را مشخص کرده‌است.

در خصوص اشعار حسینی شریف رضی و بررسی عناصر موجود در آن‌ها مقالاتی نگاشته شده، که در نگارش این پژوهش به آن‌ها توجه شده است.

مقالهٔ "بررسی مقایسه‌ای مرثیهٔ امام حسین (ع) در دیوان محتشم کاشانی و شریف رضی" نوشتهٔ یوسف لطف، به بررسی وجوه تشابه و تفاوت میان مرثی محتشم و شریف رضی و بررسی مضامین و قالب‌های مرثی این دو شاعر پرداخته و برای هر یک از آن‌ها مثال‌هایی مختلف را ذکر کرده است. (فصلنامهٔ ادبیات تطبیقی، ۱۳۸۸)

مقالهٔ "بررسی مقایسه‌ای مضامین عاشورایی در شعر ابن حسام خوسفی و شریف رضی" نوشتهٔ کلثوم قربانی جویباری و زینب صالحی، به بررسی مضامین عاشورایی در شعر این دو شاعر پرداخته و پس از نگاهی اجمالی به تأثیر شرایط سیاسی- مذهبی بر دوره‌های شعر عاشورایی، درون‌مایه و مضمون مرثی عاشورایی دو شاعر مذکور را تحلیل کرده، سپس به بررسی تطبیقی آن‌ها با یکدیگر پرداخته و مضامین مشترک و متفاوت هر یک از این دو شاعر را مورد بررسی قرار داده است. (فصلنامهٔ مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان، ۱۳۹۴)

مقالهٔ "مضامین مرثیهٔ صباحی بیدگلی و شریف رضی، مطالعهٔ مورد پژوهانه: مرثیهٔ امام حسین (ع)" نوشتهٔ محمد بنی‌احمدی و حدیث دارابی، با نگاهی به زندگی‌نامه و شرایطی که هر دو شاعر در آن زندگی کرده‌اند و با توجه به درون‌مایهٔ مرثیه در اشعار هر یک، مضامین مشترک و متفاوت

آن دو را با عنایت به تفاوت محیطی این دو شاعر و تأثیر این تفاوت‌ها در دیدگاه‌های متفاوت آنان، مورد بازخوانی قرار می‌دهد. (فصلنامه ادبیات تطبیقی، ۱۳۹۴)

مقاله "جمالیة الصورة التشبیہیة فی مراثی الشریف الرضی" نوشته نرجس انصاری و علیرضا نظری، سعی دارد با توجه به نقش تصویرپردازی‌های شاعرانه در اشعار، به صورت موردی برخی از این تصاویر را که در مرثیه شریف رضی در مورد امام حسین (ع) و حوادث پس از شهادت ایشان به صورت شعر به رشته تحریر درآمده، مورد مطالعه قرار دهد تا اهمیت این تصویرپردازی‌های قدرتمند مبتنی بر تشبیه او برهمگان آشکار شود (دراسات فی اللغة العربیة و آدابها، ۱۳۹۲)

جلوه‌های مدح و رثای اهل بیت (ع) در شعر شریف رضی "پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، نوشته مظفر مرادی دادخواه که در فصل اول این پایان نامه ابتدا به زندگی‌نامه شریف رضی و شرایط حاکم بر محیط زندگی او اشاره نموده و در فصل دوم چند قصیده معروف او در مدح و رثا را ذکر کرده و به ترجمه و شرح آن پرداخته است. (علوم تحقیقات، ۱۳۹۰)

مقایسه مراثی اهل بیت (ع) در دیوان شریف رضی و سید حیدر حلّی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی، نوشته یوسف ابراهیمی که در ابتدا رثا را تعریف کرده و در زبان‌های مختلف نگاهی اجمالی به آن داشته و پیشینه مرثیه‌های شیعی را بیان نموده، سپس زندگی‌نامه شریف رضی و سید حیدر حلّی و شرایط موجود سیاسی و اجتماعی محیط زندگی آن‌ها را به تشریح و در فصل پایانی، مرثیه‌هایی از این دو شاعر را مورد مقایسه و تحلیل قرار داده است و موضوعات مختلف مطرح شده در هر یک از مراثی این دو شاعر را بیان می‌کند. (شهید بهشتی، ۱۳۸۹)

دراسة نحویة و بلاغیة فی مائتی بیت منتخب من دیوان السید الشریف الرضی "پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نوشته محمد حسین امرایی، در این پژوهش، ابتدا زندگی‌نامه شریف رضی، شرایط حاکم بر محیط زندگی و تأثیر آن بر شعر او مورد بررسی قرار گرفته، سپس با آوردن برخی از اشعار وی، نقش و جایگاه ساختارهای نحوی و بلاغی در این اشعار بیان شده است.

اما مقاله یا پژوهشی که به صورت ویژه به بررسی عناصر انسجامی موجود در این قصیده پرداخته باشد، یافت نشد.

۵- زندگی نامهٔ شریف رضی و اهمیت و جایگاه او

ابوالحسن محمد بن حسین معروف به شریف رضی در خانواده ای اصیل و پاک نژاد دیده به جهان گشود، نسب او از طرف پدر به امام موسی کاظم (ع) و از طرف مادر به امام سجّاد (ع) می‌رسید، از این رو، بهاءالدوله بن بویه او را "ذوالحسین" و "ذو المنقبتین" لقب داده بود. (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۵: ۱۱/۱) وی در سال ۳۵۹ (ه.ق.) در بغداد به دنیا آمد، ولادتش با حکمرانی المطیع بالله و عزالدوله بویهی همزمان بود. از آنجا که پدرش در حکومت عباسی و دولت آل بویه دارای جایگاه و مقامی بزرگ بود و از همان کودکی وسایل علم‌آموزی و رفاه و نعمت برایش فراهم بود. (همان، ۱۳-۱۴) وی سرودن شعر را از سن ده سالگی آغاز کرد. شریف رضی شاعری توانا و عالمی فقیه بود، به همین دلیل به "شاعر الفقیه" ملقب گشت؛ چرا که در کنار استدلال‌های علمی و فقهی مختلف، قادر بود از سلاح شعر نیز برای بیان اهداف و مقاصد مورد نظر خود بهره ببرد. (شوقی ضیف، ۲۰۰۷: ۳۷۲/۵) دیوان شریف رضی سرشار از قصایدی است که وی در آن‌ها علاوه بر رثا گفتن ائمهٔ اطهار (ع) و به ویژه امام حسین (ع)، به بیان عواطف و احساسات جوشان خود در مورد این بزرگواران پرداخته است. او قصاید زیبایی در رثای امام حسین (ع) سرورده که شریف رضی را در میان معاصران خود و شاعران شیعه متمایز ساخته است. (شریف رضی، ۱۳۰۷: ۳۳/۱)

شریف رضی در محرم سال ۴۰۶ (ه.ق) در گذشت و در خانهٔ خود واقع در مسجد الأنباریین که یکی از نواحی کرخ "الکاظمیه" امروزی است به خاک سپرده شد. (فروخ، ۱۹۹۷: ۵۹/۳)

۶- ادبیات نظری تحقیق

۱-۱-۶: انسجام

۱-۱-۶: انسجام از نظر لغوی: انسجام به معنای روان بودن آب یا اشک، روانی کلام و عاری بودن آن از تکلف و تعقید می‌باشد. (عمید، ۱۳۶۷: ۲۴۴) انسجام، نزد علمای بلاغت به معنای تهی بودن سخن از تعقید و روانی آن است، مانند آیات قرآن که همهٔ آن‌ها منسجم می‌باشند و اهل بدیع گفته‌اند چون در نثر، انسجام قوی و قدرتمند گردد، فقرات نثر مانند مصراع‌های نظم بدون قصد،

موزون می‌شود. (دهخدا، ۱۳۴۲: ۴۰۰/۸). هم‌چنین یکپارچگی و هماهنگی و همخوانی در اجزای چیزی را انسجام می‌گویند. (انوری، ۱۳۸۱: ۶۱۸/۱)

۶-۱-۲: **انسجام از نظر اصطلاحی:** هالیدی و حسن در مطالعات خود، روابط میان جمله‌ای متن را انسجام نامیده و آن را چنین تعریف کرده‌اند: انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به عنوان یک متن مشخص می‌نماید. (Halliday And Hasan, 1976: 4)

انسجام متن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف- واژگانی، ب- دستوری، ج- پیوندی. (Ibid, 2)

در این پژوهش، تنها به بررسی نقش انسجام واژگانی در همزیته شریف رضی در رثای امام حسین (ع) پرداخته شده است؛ چرا که جملات از کنار هم قرار گرفتن واژگان، و متن نیز از پیوند جملات شکل می‌گیرد، به همین دلیل شاید بتوان واژگان را به عنوان یکی از اجزای تأثیرگذار در متن دانست.

۶-۲: انسجام واژگانی و انواع آن

به نظر هالیدی و حسن، انسجام عبارت از عناصر زبان شناختی گوناگون اعم از دستوری، واژگانی و معنایی است که باعث پیوند جمله‌ها با یکدیگر می‌شوند و در قالب واحدهایی بزرگ‌تر چون بند به هم می‌پیوندند و به آن دسته از ویژگی‌های معناشناختی کلام اطلاق می‌شود که با تکیه بر تعبیر و تفسیر جمله‌ها ارتباط داشته باشد (Ibid, 3). این عامل، مبتنی بر رابطه‌ای است که میان واحدهای واژگانی زبان، به لحاظ محتوای معنایی‌اشان با یکدیگر وجود دارد و متن به واسطه این روابط تداوم و انسجام می‌یابد. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۸۶)

بیش‌ترین جلوه انسجام واژگانی در دو بخش تکرار و باهم‌آیی می‌باشد (خطایی، ۱۹۹۱: ۲۴) که می‌توان بخشی دیگر با عنوان همپوشانی واژگانی به این تقسیم‌بندی اضافه کرد.

۶-۲-۱: تکرار

منظور از تکرار در انسجام واژگانی، تکرار کلمه در متن می‌باشد (عبدالمجید، ۱۹۹۸: ۶۰) هالیدی و حسن، تکرار را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: الف- تکرار عینی، ب- مترادف و شبه

ترادف، ج- شمولیت، د-عمومیت (Halliday And Hasan, ibid: 4). ولی در این پژوهش، شمولیت و عمومیت زیرمجموعه تکرار محسوب نشده است و در تقسیم‌بندی صورت گرفته که در جای خود ذکر خواهد گردید بخشی از همپوشانی واژگانی می‌باشد.

۶-۱-۲-۱: تکرار عینی

تکرار عینی به معنای تکرار کلمه در جمله است که به سه دسته تقسیم می‌شود: تکرار صریح، تکرار جزئی و همنامی (اشتراک لفظی)

الف- تکرار صریح: در این تکرار، خود کلمه به صورت مستقیم و بدون هیچ‌گونه تغییری آورده می‌شود. (عبدالمجید، همان: ۶۰)

ب- تکرار جزئی: تکرار جزئی زمانی رخ می‌دهد که ریشه‌ها و مؤلفه‌های اصلی یک واژه در اشتقاق‌های دیگر آن تکرار شود. با توجه به اشتقاقی بودن زبان عربی، این گونه تکرار از جایگاهی خاص برخوردار است. (همان، ۸۲) در برخی از کتاب‌های بلاغی به این نوع از تکرار، جناس اشتقاقی گفته شده است. (هاشمی، ۱۳۷۷: ۳۵۱)

ج- همنامی (اشتراک لفظی): که عبارت از کاربرد دو واژه در یک متن است که دارای صورتی یکسان و معنایی متفاوت هستند و در علم بلاغت جناس تام نامیده می‌شوند. قدام آن را تکرار لفظی نیز خوانده‌اند. (بحیری، ۱۹۹۷: ۱۰۷) به عنوان مثال در آیه «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ» (روم/۵۵) «و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! این چنین از درک حقیقت بازگردانده می‌شوند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۱۰) مقصود از ساعت اول، روز قیامت و ساعت دوم، زمانی کوتاه است. این نوع تکرار علاوه بر کارکردهای یاد شده که معمولاً در میان انواع مختلف تکرار مشترک می‌باشد، می‌تواند نمایانگر احاطه و اشراف بالای مؤلف یا شاعر در استفاده از واژه‌هایی باشد که در نگاه نخست در شکل ظاهر، یک شکل ولی در معنا، متفاوت و گاهی متناقض هستند.

تکرار در جمله، افزون بر این که موجب ایجاد انسجام و تداوم متنی می‌شود، برای تأکید، ابراز حالت اندوه و حسرت از بروز یک مصیبت، بازداشتن و منصرف کردن فردی از یک عمل یا فکر، دادن وعده و وعید، استغاثه و طلب یاری از دیگران در برابر امری ناپسند، سرزنش کردن و نهیب زدن، تکریم و بزرگداشت و اتمام حجت کردن به کار می‌رود. (غضنفری، ۱۴۳۵: ۶-۷)

۶-۲-۲: ترادف و شبه ترادف

الف- ترادف: عبارت از کاربرد واژه هایی است که معنایی یکسان دارند، ولی در لفظ کاملاً متفاوت هستند (بحیری، همان: ۱۰۸)

ب- شبه ترادف: هنگامی رخ می دهد که دو لفظ، تقابلی شدید با هم داشته باشند تا جایی که نتوان به راحتی تفاوت میان آن دو را تشخیص داد، مثل کلمات حول، سنة و عام. (همان) هم چنین می توان گفت زمانی تحقق می یابد که معنای کلمات به هم نزدیک باشند؛ اما حداقل یک نشانه مهم هر لفظ با لفظ دیگر متفاوت است. در زبان عربی می توان به دو کلمه "حلم" و "رؤیا" اشاره کرد که هر دو از واژگان قرآنی هستند. واژه نخست به معنای خواب های پریشان و واژه دوم به معنای رؤیای صادق می باشد. (مختار عمر، ۱۳۸۵: ۱۷۹)

ترادف علاوه بر نقشی که در انسجام و تداوم متنی دارد، می تواند برای تأکید و مبالغه، تنوع بخشی در تعبیر، رعایت آهنگ و وزن جمله، ایجاد تأثیر مضاعف در مخاطب، پرهیز از تکرار مستقیم، نمایش گستره واژگانی و توانایی مستکلم و ایراد معانی بیش تر نیز به کار برود. (عبدالمحمّدی و شریفی، ۱۳۹۱: ۵-۶)

۶-۲-۳: باهم آیی

باهم آیی، عبارت از ترکیب عناصر واژگانی است که معمولاً با یکدیگر همنشینی دارند. باهم آیی زمانی است که واژه های مرتبط موضوعی در متن قرار می گیرند و به کلّ متن در ارتباط با آن موضوع انسجام و هماهنگی می بخشند. (Halliday And Hasan, ibid: 91) منظور از باهم آیی، با هم آمدن عناصر واژگانی معین در چهارچوب موضوع یک متن است که به نوعی با هم مرتبط هستند و به یک حوزه معنایی تعلق دارند و گرد هم آمدن آنها، منجر به پیدایش ارتباط بین جمله های آن متن می شود. باهم آیی همان مراعات النظیر است، البتّه با مفهومی گسترده تر. (فروزنده و بنی طالبی، ۱۳۹۳: ۱۱) باهم آیی، به انواعی مختلف تقسیم می شود که عبارتند از: الف- همنشینی کلمات در یک بافت خاص، ب- طباق یا تضاد. براساس تقسیم بندی هالیدی، باهم آیی، دو دسته دیگر یعنی ارتباط جزء به کلّ و ارتباط جزء به جزء را نیز در خود جای می دهد.

۱-۳-۲-۶: همنشینی در یک بافت خاص

گاهی برخی کلمات به دلیل کثرت حضور مشترک در یک بافت یکسان، همدیگر را تداوی می‌کنند، و بین آن‌ها تناسب و ارتباط مفهومی برقرار است به طوری که معمولاً با هم به کار می‌روند. (خطابی، همان: ۲۵)

۲-۳-۲-۶: طباق یا تضاد

زمانی است که کلمات با هم متضاد باشند، مثل: «و تَحْسِبُهُمْ أَيْقَاطًا وَ هُمْ رُقُودٌ» (کهف/۱۸). «اگر به آن‌ها نگاه می‌کردی) می‌پنداشتی بیدار هستند؛ در حالی که در خواب فرو رفته بودند.» (مکارم شیرازی، همان: ۲۹۵) دو کلمه اَیْقَاط (بیدار) و رُقُود (خواب)، باهم تقابلی معنایی دارند. طباق به دو دسته تقسیم می‌شود: طباق ایجاب و طباق سلب. (خطابی، همان)

الف- طباق ایجاب

تضاد و تقابلی است که دو کلمه از نظر معنایی با هم در تضاد باشند و این تضاد به وسیله مثبت یا منفی بودن فعل نباشد؛ (همان)

ب- طباق سلب

تضاد یا طباقی است که به وسیله مثبت یا منفی شدن یک فعل یا امر و نهی بودن فعلی خاص در کلام ایجاد می‌شود. (همان)

۴-۲-۶: همپوشانی واژگانی

در تقسیم‌بندی هالیدی و حسن، شمولیت و عمومیت، زیرمجموعه تکرار و ارتباط جزء به کل و جزء به جزء، آورده شده بود و در پیاده‌سازی این نظریه روی برخی کلمات ابهامات و دشواری‌هایی دیده می‌شد که میان عناصر همپوشانی به وجود می‌آورد. این مقاله سعی دارد تا با مطالعه و تحلیل نظریه هالیدی و حسن، به تقسیم‌بندی جدیدی از این نظریه دست یابد.

بعضی از عناصر انسجامی وجود دارند که به نوعی هم می‌توانند تکرار محسوب شوند هم باهم آیی، به همین دلیل، آن‌ها را در بخشی جداگانه به نام همپوشانی واژگانی قرار داده‌ایم. بر این اساس، می‌توان همپوشانی واژگانی را به چهار دسته تقسیم کرد: الف- شمولیت، ب- عمومیت، ج- ارتباط جزء به کل، د- ارتباط جزء به جزء.

الف - شمولیت

در این نوع از تکرار، ابتدا لفظی عام و کلی که شامل کلمه بعد از خود هم می‌شود، ذکر می‌گردد سپس یکی از اسم‌های خاص که در دل اسم عام ذکر شده قبلی است؛ آورده می‌شود تا به نوعی برای اسم خاص، امتیاز و اهمیتی ویژه در نظر گرفته شده باشد. (بحیری، همان: ۱۰۸) به عبارت دیگر، ممکن است گاهی یک مفهوم بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود، در چنین شرایطی رابطه شمول معنایی مطرح خواهد شد که پیوند میان یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول آن است. (صفوی، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۰)، به عنوان مثال می‌توان به این آیه اشاره کرد: «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوَسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ.» (بقره/۲۳۸). «در انجام همه نمازها و (به خصوص) نماز وسطی (نماز ظهر) کوشا باشید و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا به پا خیزید.» (مکارم شیرازی، همان: ۳۹) در این مثال ذکر شدن الصلاة الوسطی نشانه اهمیت خاص آن نسبت به دیگر نمازهای پنج‌گانه است.

ب- عمومیت

به اسم‌هایی که در مورد یک چیز مشخص به کار برده شده، اشاره می‌کند، مثل کلماتی مانند: الشخص، الرجل، الناس که به انسان اطلاق می‌شود و می‌توان آن را همان اسم جنس دانست. (خطابی، همان: ۲۵) عمومیت در مبحث انسجام واژگانی در صورتی دارای اهمیت است که در ارتباط با یک کلمه دیگر باشد، به عنوان مثال اسم خاصش بعد از آن بیاید که در این صورت همان شمولیت می‌شود.

ج- ارتباط جزء به کل

گاهی واژه‌های همنشین دارای رابطه جزء به کل می‌باشند، به این معنی که ابتدا یک واژه کلی ذکر می‌شود و بعد از آن لفظی می‌آید که جزئی از آن کل می‌باشد. (همان، ۲۵-۲۶)

د- ارتباط جزء به جزء

گاهی دو یا چند کلمه همنشین از رابطه جزء به جزء، یعنی ذکر یک جزء از یک شیء در کنار جزئی دیگر از آن پیروی می‌کنند. (همان)

در این قصیده، عناصری هم چون شمولیت، عمومیت و طباق سلب به کار نرفته است، به همین دلیل در این پژوهش تنها به آوردن تعریفی کوتاه از آن ها بسنده شده است.

۷- عناصر انسجام واژگانی در قصیده کربلا

۱-۱-۷: تکرار

۱-۱-۷: تکرار صریح

أَيُّ جَدٍّ وَأَبٍ يَدْعُوهُمَا!

جَدِّ يَا جَدِّ أَغْنِيَنِي يَا أَبَا!

(شریف رضی، ۱۳۰۷: ۹۵)

«و چه نیکو جد و پدری را فرا می خواند، ای جدّ و ای پدر به فریادم برسید.»

کلمه "جدّ" در این بیت ۳ بار و کلمه "أب" دو بار و حرف ندای "یا" و اسلوب ندا ۲ بار در بیت تکرار شده است، شاید هدف شاعر از این تکرارها به تصویر کشیدن شدت غم و اندوه حضرت زینب (س) از بروز این مصیبت و هم چنین استغاثه و طلب یاری ایشان از پیامبر اکرم (ص) است و نیز انتخاب صدای کشیده "الف" به عنوان قافیه در ابیات، نشانگر عمق این غم و اندوه می باشد.

مَعَشَرَ مِنْهُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَالْ

كَاشِفُ الْكَرْبِ إِذَا الْكَرْبُ عَرَا

(همان، ۹۶)

«آن ها گروهی هستند که پیامبر خدا (ص) و برطرف کننده هر غم و اندوهی [علی (ع)] وقتی

غم و اندوه پیش آید، از آنان شمرده می شوند.»

در این بیت هدف از تکرار واژه کرب به صورت مستقیم تأکید شاعر بر ویژگی بارز امام علی (ع)، یعنی کاشف کرب بودن آن حضرت است و هم چنین نشان دهنده آن است که با این که آن حضرت، در طول زندگی خود در سختی ها و مشکلات، یاور مردم بوده اند، دختر ایشان، در چنین شرایط دشواری، تنها مانده است و هیچ کس به یاری او نمی شتابد، این مسأله خود بیانگر اوج مظلومیت این خاندان بزرگوار می باشد. شاعر در این بیت، از تکرار برای تثبیت هر چه بیش تر این مفهوم استفاده کرده است.

۲-۱-۷: تکرار جزئی:

شَاكِ يَا مِنْهُمْ إِلَيَّ اللَّهُ وَهَلْ

يُفْلِحُ الْجَيْلُ الَّذِي مِنْهُ شَكَا؟!

(همان، ۹۷)

«درحالی که از آن‌ها نزد خدای متعال شکایت می‌کند، و آیا نسلی که پیامبر (ص) از آن‌ها شکایت می‌کند، رستگار می‌شود؟!»

شریف رضی در این بیت از دو واژه (شاکیا و شکا) به صورت تکرار جزئی بهره برده است تا میزان ناراضی‌ت پیامبر اکرم (ص) و خاندان گرامی‌اشان را نسبت به دشمنان و قاتلان امام حسین (ع) بیان کند. هم‌چنین استفهام انکاری موجود در بیت یاد شده، این مفهوم را به خواننده منتقل می‌سازد که دشمنان اهل بیت پیامبر (ص) که مورد شکایت آنان قرار گرفته‌اند هیچ گاه به سعادت و رستگاری نخواهند رسید.

غَارِسٌ لَمْ يَأَلْ فِي الْغَرَسِ لَهُمْ فَأَذَاقُوا أَهْلَهُ مَرَّ الْجَنَى

(همان، ۹۴)

«پیامبر (ص)، هم‌چون کشاورزی است که در کاشتن نیکی‌ها برای آنان هیچ درنگ و کوتاهی ننمود، اما آن مردمان تلخی میوه و ثمره را به اهل بیت پیامبر (ص) چشانندند.»

در این بیت، شاعر قصد دارد با بیان دو واژه (غارس و الغرس) به این نکته اشاره کند که یزیدیان و دشمنان خاندان نبوت (ع)، با وجود تمام تلاشی که حضرت رسول (ص) برای بارور کردن نهال اسلام کرده بودند؛ در نهایت بی‌شرمی و بدون توجه به این کوشش‌ها، سعی در ریشه‌کن کردن نهال اسلام نمودند و امام (ع) زمان خود را به بدترین شکل ممکن به شهادت رساندند و خانواده او را به اسارت بردند. شاید قصد شاعر از این بیت محکوم کردن یزیدیان و سرزش آنان باشد که با عهد شکنی خود، زمینه را برای وقوع این حادثه ناگوار فراهم کردند.

۳-۱-۲: ترادف و شبه ترادف

۱-۳-۱-۲: ترادف

يَا جِبَالَ الْمَجْدِ عِزًّا وَعَلَا وَ بُدُورَ الْأَرْضِ نُورًا وَسَنًا

(همان، ۹۷)

«ای کوه‌های بزرگی و شرافت و بلندمرتبگی، و ای ماه‌های نورانی و درخشان زمین.»

این بیت یاران امام حسین (ع) را مخاطب قرار داده و آن‌ها را در شرافت و بلند مرتبگی هم‌چون کوه می‌داند و در نورانی بودن و درخشندگی به مانند ماه‌هایی به شمار می‌آورد که بر روی زمین

هستند و برای تصویرسازی هرچه بهتر این توصیف‌ها و تأکید بر آن‌ها از دو گروه مترادف "مجد، عز و علا" و "نور و سنا" استفاده کرده که خود موجب اثر گذاری افزون‌تر در مخاطب شده است.

رَبِّ مَا حَامَوْهُ، وَ لَا آوَوْهُ، وَ لَا
نَصْرُوا أَهْلِي، وَ لَا أَعْنَوْا غَنَا

(همان، ۹۷)

«[پیامبر (ص) در حضور خدای متعال می‌فرماید: خداوندا از خاندان من حمایت نکردند و آن‌ها را پناه ندادند و یاری و کمک نرساندند.»

آوردن کلمات مترادف (حاموا، آووا، نصروا و أعنوا) و همچنین تکرار کلمه لا و ضمیر (و) در این افعال، نشانگر بی‌حرمتی و ناسپاسی یزیدیان نسبت به خاندان عصمت و طهارت (ع) است و تکرار جزئی (أعنوا و غنا) علاوه بر این که موجب استمرار و تداوم متنی در بیت و به طور کلی در تمام بافت شعری شده، در جهت تأکید و مبالغه مفهوم بیت و ایجاد تنوع در ساختار آن به کار رفته است.

۷-۱-۳: شبه ترادف

كَيْفَ لَمْ يَسْتَعْجِلِ اللهُ لَهُمْ
بِانْقِلَابِ الْأَرْضِ أَوْ رَجْمِ السَّمَاءِ

(همان، ۹۵)

«خداوند چگونه با زیر و رو کردن زمین یا شهاب باران آسمان، در عذاب آنان تعجیل ننمود.» دو کلمه (انقلاب و رجم) در این بیت با هم شباهت معنایی دارند و می‌توان هر دو را به معنای نیستی و نابودی در نظر گرفت، شاعر در این بیت، شدت غم و اندوه خود را از بروز چنین فاجعه غمناکی برای خاندان پیامبر (ص) یادآور شده است و تعجب خود را از این که در پی این حادثه خداوند در نابودی زمین و آسمان‌ها شتاب نکرده، آشکار می‌سازد.

تَكْسُفُ الشَّمْسِ شُمُوسًا مِنْهُمْ لَا
تُدَانِيهَا ضِيَاءٌ وَعُلَا

(همان، ۹۴)

«خورشید واقع در آسمان بر این خورشیدهای شهید شده و افتاده بر زمین سایه می‌افکند؛ زیرا که خورشید در آسمان از لحاظ نورانیت و روشنایی و بلند مرتبگی به آنان نمی‌رسد.» در این بیت، شاعر با بهره بردن از کلماتی که دارای مشابهت معنایی هستند (ضیاء و علا)، تلاش دارد بر جایگاه و شأن والای شهدای کربلا تأکید کند و به همین منظور در این بیت از مبالغه

هم سود جسته است، به این معنا که آن‌ها در جایگاه و درجات رشد و تعالی خود به جایگاهی رسیده اند که حتی خورشید هم به آن دست نیافته است.

۲-۲: با هم آبی

۲-۲-۱: همنشینی کلمات در یک بافت خاص

غَارِسُ لَمْ يَأَلُ فِي الْغَرَسِ لَهُمْ فَأَذَاقُوا أَهْلَهُ مَرًّا الْجَنِّي

(همان)

«پیامبر هم چون کشاورزی است که در کاشتن نیکی‌ها برای آنان هیچ درنگ و کوتاهی ننمود؛ اقا آن مردمان تلخی میوه و ثمره را به اهل بیت پیامبر (ص) چشانندند.»
شاعر در این بیت با اشاره به نهال پر بار اسلام که توسط حضرت پیامبر (ص) به بار نشسته بود، به بیان این مسأله می‌پردازد که دشمنان خاندان رسول (ص) به جای این که با احترام و محبت با خاندان ایشان رفتار کنند، پاسخ این همه تلاش و زحمت را به بدترین شکل ممکن دادند و ثمره این درخت بزرگ را که امام حسین (ع) و خانواده بزرگوارشان بودند، به شهادت رساندند و اهل حرم او را به اسارت بردند و مورد بدترین اهانت‌ها قرار دادند و تلخی این حادثه مصیبت‌بار را برای همیشه در کام اهل بیت پیامبر (ع) باقی گذاشتند و به همین منظور از کلمات همنشین (أذاقو و مرّ) و (غارس، غرس و جنی) سود برده است.

مُرْهَقًا! يَدْعُو، وَ لَا غَوْثَ لَهُ بِأَبِ بَرٍّ وَ جَدِّ مُصْطَفَى!

(همان، ۹۵)

«آن شخصی که مورد ستم واقع شده و در حالی که یاریگری نداشت، پدر نیک و بی‌عیب و جدّ برگزیده خود را فرا می‌خواند و صدا می‌زد.»
این بیت به شهادت امام حسین (ع) اشاره دارد، که ایشان در این زمان با جدّ بزرگوار و پدر گرامی‌اش سخن می‌گویند و از آن حضرت یاری می‌خواهند؛ اقا به جای این که پاسخی دریافت کنند، هر مرتبه که فریاد یاری خواهی حضرت بلند می‌شد به سختی مورد آزار قرار می‌گرفتند. آوردن کلمات همنشین (مرهق، يدعو و غوث) برای تأکید بر همین مفهوم است.

۲-۲-۷: طباق یا تضاد

۱-۲-۲-۷: طباق ایجاب

أَيْنَ عَنْكُمْ لِمُضِلِّ طَالِبٍ

وَضَحَّ السَّبِيلِ وَأَقَمَّ الدُّجَى

(همان، ۹۷)

«آن گمراهی که طالب روشنی راهها و ماههای تاریکی است، چگونه آن را در نزد غیر شما بیابد.»
شاعر با آوردن کلمات متضاد (وضح و الدجی) قصد داشته تا بیان کند که هر انسان گمراهی چه خواهان راههای روشن و چه ماههای شبهای تاریکی آسمان باشد، تنها به وسیله اهل بیت (ع) می‌تواند از گمراهی‌های بیاید، در غیر این صورت، تلاش‌هایش نتیجه‌ای جز گمراهی ندارد و شاید هدف از اسلوب استفهامی در این بیت همین نکته باشد.

تَقَضُوا عَهْدِي، وَقَدْ أَبْرَمْتُهُ

وَعُرَى الدِّينِ، فَمَا أَبْقُوا عُرَى

(همان)

«عهد مرا شکستند، عهدی را که آن را محکم کرده بودم و ریسمان‌های دین را به گونه‌ای گسستند که ریسمانی باقی نگذاشتند.»
شریف رضی در این بیت، دو فعل (نقضوا و أبرمته) را که با یکدیگر طباق ایجاب دارند، آورده است و از زبان پیامبر (ص) خطاب به پرودگار نقل می‌کند که این مردم بی‌دین و عهد شکن، پیمانی را که من با آنها بسته و بر لزوم پایبندی بر آن بارها تأکید کرده بودم، نقض نمودند و ریسمان بزرگ الهی که آن را محکم ساخته بودم طوری بریدند که گویی از آغاز وجود نداشته است. در این بیت علاوه بر طباق ذکر شده، کلمه (عری) تکرار شده است.

۳-۷: همپوشانی

۱-۳-۷: شمولیت

أَنْتُمْ الشَّافُونَ مِنْ دَاءِ الْعَمَى

وَعَدَا سَاقُونَ مِنْ حَوْضِ الرِّوَا

(همان)

«شما آن شفا دهندگان از درد نابینایی به شمار می‌آیید، و فردای قیامت راهنما و روانه کننده (مردمان) به سوی آب کوثر هستید.»

در این بیت اگر به معنای ظاهری آن توجه شود باید گفت شاعر کلمه داء را که به معنای درد و شامل انواع دردها و بیماری‌ها می‌باشد به کلمه العمی که به معنای کوری و نابینایی است، اضافه کرده که این دو کلمه دارای ارتباط شمولیت معنایی هستند و معتقد است که اهل بیت پیامبر (ص) درد نابینایی را شفا می‌دهند، اما اگر با نگاهی ژرف تر به این مفهوم نگریسته شود می‌توان گفت منظور از "العمی" عدم بصیرت می‌باشد که خود یکی از بزرگ‌ترین دردها و زیان‌ها و موجب بسیاری از درد و رنج‌ها و ناکامی‌های دنیوی و اخروی است و به احتمال قوی‌تر شریف رضی نیز همین بی‌بصیرتی را در نظر داشته؛ چرا که دشمنان امام حسین (ع) از چشم سر بینا بودند ولی به دلیل عدم بصیرت، کمر به قتل آن بزرگوار بستند.

بَدَلُوا دِينِي، وَ نَالُوا أُسْرَتِي
بِالْعَظِيمَاتِ، وَ لَمْ يَرَعُوا إِلَيَّ

(همان)

«دین من را دگرگون ساختند و ستم‌های بزرگی به خاندانم روا داشتند و شکرگزار نعمت (اسلام) نبودند.»

در این بیت می‌توان (إلی) را که به معنای نعمت‌ها است، کلمه ای عام در نظر گرفت و دین را که یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است زیر مجموعه آن قرار داد یا این که (إلی) را همان دین اسلام دانست که در این صورت رابطه ترادف میان آن‌ها برقرار است، این بیت شکایت پیامبر (ص) را در محضر پروردگار نسبت به دشمنان خاندان خود و قاتلان امامان معصوم (ع) و به خصوص امام حسین (ع)، بیان می‌دارد.

۲-۳-۷: عمومیت

أَوَّلُ النَّاسِ إِلَى الدَّاعِيِ الَّذِي
لَمْ يُقَدِّمْ غَيْرَهُ لَمَّا دَعَا

(همان، ۹۶)

«آن‌گاه که پیامبر (ص) به اسلام فرا خواند، امام علی (ع) نخستین کسی بود که ایمان آورد و کسی بر او پیشی نگرفت.»

شریف رضی در این بیت امام علی (ع) را اولین فردی می‌داند که از میان همه مخاطبان مورد دعوت پیامبر (ص)، اسلام آورده است؛ بنابراین می‌توان الناس را کلمه عام در نظر گرفت، یعنی در این بیت تمام افراد بدون در نظر گرفتن فردی خاص مورد نظر شاعر بوده است.

۷-۳-۴: ارتباط جزء به کل

و تَنُوشُ الْوَحْشُ مِنْ أَجْسَادِهِمْ

أَرْجُلُ السَّبَقِ وَ أَيْمَانُ النَّدَى

(همان، ۹۴)

«وحشیان پاهای این بزرگواران را که به سوی کرم می‌شتافتند و نیز دست‌های آنان را که واسطهٔ جود و بخشش بودند، از اجساد ایشان قطع کردند.»

تأکید شاعر در بیت مذکور بر این مسأله است که امام حسین (ع) همهٔ وجود و هستی خود را در راه خداوند فدا کرده و هم‌چنین ذکر این سه کلمه، نشانگر شدت وحشیگری و جسارت یزیدیان بر آن حضرت است که حتی از هرگونه جسارت و اهانت نسبت به بدن مطهر ایشان نیز فروگذار نکردند. و نیز تشبیه دشمنان ایشان به حیوانات وحشی، نمایانگر همین روحیهٔ غیر انسانی آن‌ها شمرده می‌شود، به گونه‌ای که هر چند در ظاهر سیمای انسانی داشتند؛ اما شاعر آن‌ها را به‌سان حیوانات وحشی، بلکه پست‌تر از آن‌ها می‌داند.

وَ بَأْمٍ رَفَعَ اللَّهُ لَهَا

عَلَمًا مَائِبِينَ نَسْوَانَ الْوَرَى

(همان، ۹۵)

«و ای کسی که مادری دارد که خداوند برای او در میان زنان جهان پرچمی برافراشته است.» این بیت، نشانگر اوج اهمیت و ارزش حضرت زهرا (س) نزد خداوند است. شاید شاعر با آوردن این دو کلمهٔ (أَمْ و نَسْوَانَ) تلاش کرده تا بگوید به شهادت رساندن فردی با این شرافت و جایگاه والای خانوادگی که مادرش بر تمامی زنان عالم برتری و سروری دارد، آن هم به‌چنین شیوهٔ فجیع و دردناک، در اوج بی‌شرمی و گستاخی است.

۷-۳-۴: ارتباط جزء به جزء

وَ وُجُوهاً كَالْمَصَابِيحِ فَمِنْ

قَمَرٍ غَابٍ وَ نَجْمٍ قَدْ هَوَى

(همان، ۹۴)

«و از این اجساد، چهره‌هایی درخشان را (بر خاک افکندند) که برخی هم‌چون ماهی تابان پنهان و ناپدید گشتند و هم مانند ستاره‌ای از آسمان فرو افتادند.»

در این بیت دو واژهٔ (قمر و نجم) دارای ارتباط جزء به جزء هستند؛ زیرا ماه و ستاره هر دو جزئی از آسمان دشت کربلا هستند و چهره‌های درخشان و نورانی آن‌ها برخی به‌ماه و برخی

دیگر به ستاره تشبیه شده که از روی اسب بر خاک افتاده و به شهادت رسیده‌اند. افزون بر این ارتباط جزء به جزء، دو کلمه (غاب و هوی) مترادف هستند که این خود نشان دهنده شهادت این بزرگواران آن هم به بدترین شکل ممکن است. منظور از کلمه ماه در این بیت، حضرت عباس (ع) قمر بنی هاشم می‌باشد.

مُعْجَلَاتٍ لَا يُوَارِيَنَّ ضُحًى
سَنَنْ الْأَوْجُهَ أَوْ بِيضَ الطَّلِي

(همان، ۹۵)

«شتابان در آن گرمای چاشتگاه (به اسارت) برده شدند بی آن که گردی چهره‌ها و یا سفیدی گردن‌هایشان را پوشانده باشند.»

این بیت، صحنه به اسارت گرفته شدن خاندان اهل بیت (ع) را به تصویر کشیده است و شتاب حرکت این کاروان و مقدار آزار و اذیت‌های وارد بر آنها تا حدی بود که حتی به آنان اجازه داده نشد تا سر و گردن و صورت خود را در برابر آن آفتاب سوزان پوشانند. در این بیت آوردن دو کلمه (الأوجه و الطلی) - به معنای صورت و بن گردن - نشانگر شدت این رفتارهای غیر انسانی و بی‌شرمانه یزیدیان نسبت به خاندان نبوت است که حتی اجازه پوشاندن سر و گردن اهل حرم امام حسین (ع) را نیز به آنها ندادند و این خود نشانه بی‌دینی و ادعاهای دروغین آنها در مورد خارجی خواندن امام حسین (ع) است؛ چرا که براساس آیات قرآن، پوشاندن موی سر و گردن بر زنان مسلمان واجب است و ممانعت از انجام این کار حرام می‌باشد و اگر به قصد هتک حرمت به اهل بیت رسول الله (ع) صورت گیرد، گناهی نابخشودنی است و عذابی مضاعف در پی خواهد داشت.

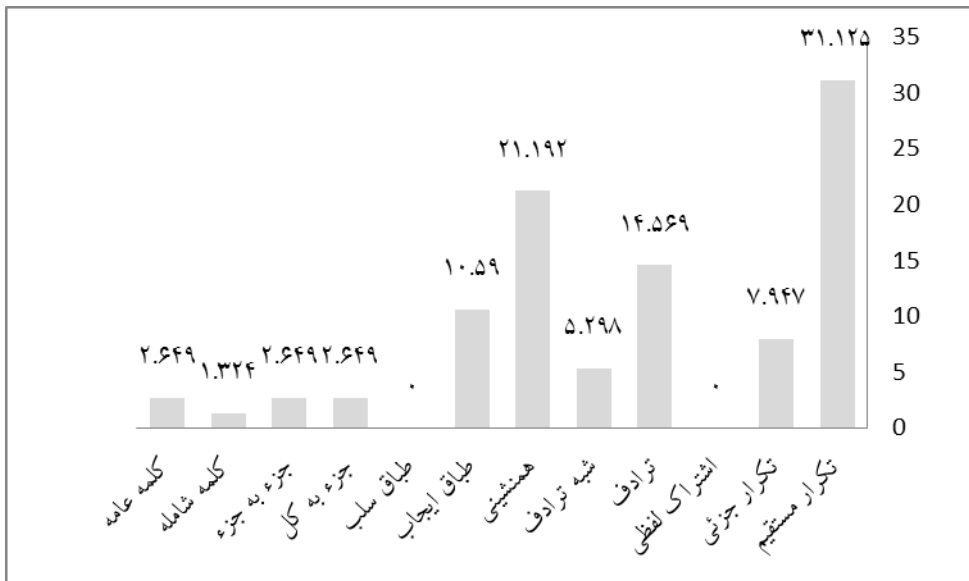
با در نظر گرفتن شمار همه کلمات شعر (۴۵۵)، در جدول زیر، تعداد عناصر انسجامی موجود در این قصیده شمارش شده و درصد هر یک از آنها، با توجه به واژگان انسجامی موجود در این شعر به دست آمده است.

جدول شماره ۱: بسامد عناصر انسجامی نسبت به کل واژگان انسجامی

عناصر	تعداد	درصد
تکرار صریح	۴۷	۳۱.۱۲۵
تکرار جزئی	۱۲	۷.۹۴۷
اشتراک لفظی	۰	۰

۱۴.۵۶۹	۲۲	ترادف
۵.۲۹۸	۸	شبه ترادف
۲۱.۱۹۲	۳۲	همنشینی
۱۰.۵۹۶	۱۶	طباق ایجاب
۰	۰	طباق سلب
۲.۶۴۹	۴	جزء به کل
۲.۶۴۹	۴	جزء به جزء
۱.۳۲۴	۲	شمولیت
۲.۶۴۹	۴	عمومیت

نمودار شماره ۱: نمودار عناصر انسجامی



با توجه به آمارهای موجود در جدول و نمودار، این نتیجه به دست می‌آید که به ترتیب تکرار صریح، همنشینی واژگان در یک بافت خاص، ترادف کامل و طباق ایجاب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

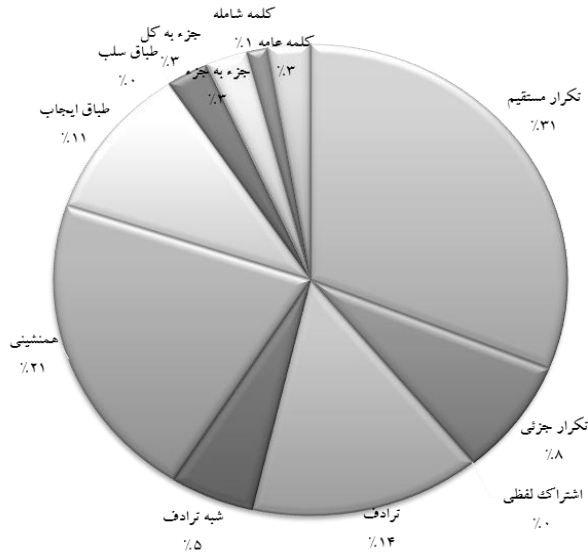
در این قسمت، تعداد عناصر انسجامی درمقایسه با تعداد کلّ کلمات این قصیده، محاسبه و درصد آن به دست آمده است.

جدول شماره ۲: بسامد عناصر واژگانی در مقایسه با کلّ واژگان قصیده

عناصر	تعداد	درصد
تکرار صریح	۴۷	۱۰.۳۲۹
تکرار جزئی	۱۲	۲.۶۳۷
اشتراک لفظی	۰	۰
ترادف	۲۲	۴.۸۳۵
شبه ترادف	۸	۱.۷۵۸
همنشینی	۳۲	۷.۰۳۲
طباق ایجاب	۱۶	۳.۵۱۶
طباق سلب	۰	۰
جزء به کلّ	۴	۰.۸۷۹
جزء به جزء	۴	۰.۸۷۹
شمولیت	۲	۰.۴۳۹
عمومیت	۴	۰.۸۷۹
جمع کلّ	۱۵۱	۳۳.۱۸۶

در این قصیده مجموعاً از ۱۵۱ مورد عناصر انسجامی استفاده شده که در نمودار زیر درصد هر یک از این عناصر به نمایش در آمده است:

نمودار شماره ۲: نمودار عناصر انسجامی در مقایسه با کلّ واژگان قصیده



این ۱۵۱ عنصر، حدود ۳۳ درصد مجموع کلمات را تشکیل می‌دهند و بیش تر برای بیان عواطف و احساسات و غم و اندوه شاعر به دلیل وقوع این حادثهٔ دردناک برای اهل بیت پیامبر(ص) بوده است، علاوه بر این، شاید هدف شریف رضی از به کار بردن این حجم از عناصر انسجامی، تأکید بر مضمون و هدف اصلی قصیده و به نمایش گذاشتن مصیبت‌های وارد بر این بزرگواران و محکوم کردن یزیدیان و دشمنان آنها بوده باشد.

نمودار شماره ۳: درصد کلّ عناصر انسجامی نسبت به کلّ قصیده



نتیجه‌گیری

با بررسی انسجام واژگانی در این قصیده، این نتیجه به دست آمد که از میان عناصر انسجام واژگانی، ترادف، همنشینی در یک بافت خاص، طباق ایجاب و تکرارهای مختلف بیش‌ترین کاربرد را داشته‌اند. شریف رضی در این شعر، حجم نسبتاً بالایی از عناصر انسجام واژگانی را استفاده نموده که حدود یک چهارم کل کلمات قصیده را تشکیل می‌دهد، به عنوان نمونه از ترادف برای ایجاد تنوع و دوری از یکنواختی متن و تثبیت مفهوم جمله و از همنشینی در یک بافت خاص برای تثبیت مفهوم مورد نظر خود و برای غنی‌تر کردن هرچه بیشتر شعر چه از بعد ظاهری و چه از بعد مفهومی، و از تضاد برای بیان تفاوت‌ها و تناقض‌های موجود میان امام حسین (ع) و یارانش با یزیدیان و هم‌چنین برای به تصویر کشیدن کفران نعمت آن‌ها در برابر تمامی خوبی‌های پیامبر (ص) و خاندانش در ترویج دین اسلام که بزرگ‌ترین نعمت الهی است و نیز برای آوردن استدلال‌های متعدد برای تأکید بر این مفهوم، و از تکرار جزئی و مستقیم برای تثبیت معنا و مفهوم جمله استفاده نموده است. می‌توان گفت خصوصیت شعر عربی مبتنی بر دارا بودن وزن و قافیه هم به نوعی در کاربرد فراوان این عناصر در شعر او بی‌تأثیر نبوده است. در پایان باید گفت هدف شریف رضی افزون بر عوامل یاد شده، انسجام‌بخشی هر چه بیشتر به ابیات و در کل تمام شعر و افزودن به زیبایی‌های هنری و موسیقایی شعر بوده است که همین مسأله تأثیری به‌سزا بر ماندگاری و متمایز بودن این مرثیه از دیدگاه ناقدان ادبی و مخاطبان آن می‌باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیمی، یوسف (۱۳۸۹)، "مقایسهٔ مرثیاتی اهل بیت (ع) در دیوان شریف رضی و سید حیدر حلی". پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۲- ابن ابی الحدید، عزالدین (۱۹۶۵)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الجزء الأول، الطبعة الثالثة، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- ۳- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی. چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- ۴- البرزی، پرویز (۱۳۸۶)، مبنای زبان شناسی متن. چاپ اول، تهران: امیرکبیر
- ۵- امرایی، محمد حسین (۱۳۹۱)، "دراسة نحویة و بلاغیة فی مائتی بیت منتخب من دیوان السید الشریف الرضی" پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ۶- انصاری، نرجس و علیرضا نظری (۱۳۹۲): "جمالیة الصورة التشبیهية فی مرثیة الشریف الرضی"، فصلنامهٔ دراسات فی اللغة العربیة و آدابها، جامعة سمنان، العدد ۱۵. صص ۱۲۵-۱۴۳.
- ۷- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱. تهران: نشر سخن
- ۸- بحیری، سعید حسن (۱۹۹۷م)، علم لغة النص: المفاهیم والاتجاهات، الطبعة الأولى، قاهرة: مكتبة لبنان، الشركة المصرية العالمية للنشر.
- ۹- بنی احمدی، محمد و حدیث دارابی (۱۳۹۴)، "مضامین مرثیة صباحی بیدگلی و شریف رضی، مطالعه مورد پژوهانه: مرثیة امام حسین (ع)", فصلنامهٔ ادبیات تطبیقی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هفتم، شماره ۱۲، صص ۳۱۵-۳۳۸.
- ۱۰- خطابي، محمد (۱۹۹۱)، لسانیات النص مدخل إلى انسجام الخطاب، الطبعة الأولى، بیروت: مرکز الثقافی العربی.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲)، فرهنگ دهخدا، ج ۸، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه.
- ۱۲- سیاوشی، صابره و گلفام واعظی (۱۳۹۲)، "شخصیت نمادین امام حسین (ع) در شعر شریف رضی"، مجله پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شماره ۳، پی در پی ۱۱، صص ۱۱۳-۱۳۵.
- ۱۳- شریف رضی، أبوالحسن محمد بن الحسين بن موسى (۱۳۰۷)، دیوان الشریف الرضی، مع دراسة و اضافة بقلم الشيخ عبدالحسن الحلی، بیروت: المطبعة الأدبية.
- ۱۴- صفوی، کوروش (۱۳۸۷)، درآمدی بر معناشناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر
- ۱۵- ضیف، شوقی (۲۰۰۷)، تاریخ الأدب العربی، عصر الدول و الإمارات، الجزء الخامس، قاهرة: دارالمعارف.

۱۶- عبدالمحمّدی، حمید رضا و محمّد شریفی (۱۳۹۱)، "ترادف در زبان عربی"، *فصلنامه مطالعات نقد ادبی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، دوره ۷، شماره ۲۹، زمستان، صص ۱۵۶-۱۸۵.

۱۷- عمید، حسن (۱۳۶۷)، *فرهنگ فارسی عمیده*، چاپ دوم، تهران: چاپخانه سپهر.

۱۸- غضنفری، علی (۱۴۳۵)، "التکرار اللفظی فی القرآن، أسبابه و فوائده"، *مجله دراسات فی العلوم الانسانیة*، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۱۷-۳۷.

۱۹- فروخ، عمر (۱۹۷۹م)، *تاریخ الأدب العربی*، ترجمه عبدالمحمّد آیتی. چاپ چهارم، تهران: طوس.

۲۰- فروزنده، مسعود و امین بنی طالبی (۱۳۹۳)، «ابزارهای آفریننده انسجام متنی و پیوستارهای بلاغی در ویس و رامین»، *مجله شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز*، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۲۰، صص ۱۰۷-۱۳۴.

۲۱- قربانی، کلثوم و زینب صالحی (۱۳۹۴)، "بررسی مقایسه ای مضامین عاشورایی در شعر ابن حسام خوسفی و شریف رضی"، *فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اداره کل خراسان جنوبی*، دوره ۹، شماره ۳۶، صص ۹۷-۱۲۴.

۲۲- لطف، یوسف (۱۳۸۸)، "بررسی مقایسه ای مرثیه امام حسین (ع) در دیوان محتشم کاشانی و شریف رضی"، *فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت*، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۱۸۷-۲۱۲.

۲۳- محمّد رضایی، علی رضا و مریم کیا (۱۳۸۹)، "جستاری بر مرثیه های شریف رضی و محتشم کاشانی"، *فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، دوره جدید سال دوم، شماره ۳، صص ۳۲۹-۳۵۵.

۲۴- مختار عمر، احمد (۱۳۸۵)، *معناشناسی*، ترجمه سید حسین سیدی، چاپ اول، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

۲۵- مرادی دادخواه، مظفر (۱۳۹۰)، *جلوه های مدح و رئای اهل بیت (ع) در شعر شریف رضی*، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۲۶- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، *ترجمه قرآن کریم و شرح آیات منتخب*، چاپ اول، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.

۲۷- مهاجر، مهران و محمّد نبوی (۱۳۷۶)، *به سوی زبان شناسی شعر*، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

۲۸- هاشمی، احمد (۱۳۷۷)، *جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*، الطبعة الأولى، تهران: نشر الهام.

29- Halliday And Hasan (1976) *Cohesion In English*, London: Longman